



Photo by: Azadeh Fateh Rad (London, England)



Caroun Photo Club (CPC)

تابستان ۸۸

بولتن شماره ۵ کلوب عکس کارون

کلوب عکس کارون

سر دبیر: مسعود سهیلی

عضو انجمن عکاسان کانادا و امریکا

کلوب عکس کارون ۵ سال پیش با هدف ارتقا فن و هنر عکاسی و ایجاد ارتباط بین المللی بین عکاسان تاسیس گردید. بخش عمده اعضای این کلوب ایرانیان مقیم کشورهای مختلف ایران، کانادا، آلمان، فرانسه، مجارستان، هند، امریکا، انگلیس، امارات متحده عربی... هستند. اعضای غیر فارسی زبانی هم از کشورهای ترکیه، پاکستان، لیتوانی، هلند، کانادا، عراق و امریکا نیز در این مجموعه حضور دارند. اولین و دومین مسابقه عکس کلوب عکس کارون توسط عکاسان ایرانی مریم زندی، اسماعیل عباسی، ناصر تقوایی، اکبر عالمی، حسن سر بخشیان و هومن صدر داوری شده است. مسابقه سال ۲۰۰۸ در کانادا و توسط عکاسان کانادایی داوری شد:

Allen Bergen, Betty Andres & Val Davison

تا کنون در ایران (تهران و اصفهان)، عراق (سلیمانیه کردستان) و کانادا (ونکوور و نورت ونکوور) نمایشگاه عکس داشته ایم. گزارش کامل این نمایشگاه‌ها و نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی اعضا در وب سایت موجود است. از امسال تعداد نمایشگاه‌های بین المللی محدود تر می‌شوند. برای نمایش در کشورهای دیگر اسلاید شو () برگزار میشود. برای نمایش آخرین نمایشگاه، اعضا کارون در کشورهای ایران (تهران)، عراق (کردستان، سلیمانیه)، پاکستان (اسلام آباد) و انگلیس (لندن) اعلام آمادگی کرده اند.

علاوه بر وب سایت، این بولتن ارگان رسمی کلوب عکس کارون است. مقالات و عکس‌های این مجموعه توسط اعضای کلوب تهیه شده است.

جلسات ماهیانه این کلوب سومین چهارشنبه هر ماه در سینک گالری وست ونکوور ۹-۷ عصر تشکیل میشود. گزارش کامل عملکرد کلوب عکس کارون و اعضا مستمرا در وب سایت آن منتشر میشود. (1570 Argyle Ave., West Vancouver)

اعضا یک گالری عکس در وب سایت کلوب عکس کارون دارند. این گالری شامل بیوگرافی، رزومه، نظرات درباره عکاسی، هنر، روش‌های کار... ۱۲ عکس، پرتره عکاس، آدرس ایمیل و وب سایت است. مقالات اعضا در سایت منتشر میشود. اخبار مسابقات و نمایشگاه‌های داخلی و بین المللی برای اعضا ارسال میشود. اعضا میتوانند در مسابقات و نمایشگاه‌های کلوب و انجمن عکاسان کانادا شرکت کنند. پرتره اعضا در سایت در بخش هنرمندان گذشته میشود. نمایشگاه‌های اعضا از طریق ایمیل و وب سایت اعلام میشود.

Caroun Photo Club
PO Box 37514
RPO Lonsdale East
North Vancouver, BC, V7L 3L7, Canada

www.Caroun.com
CAPA@Caroun.com
604-916-8785

کلوب عکس کارون

۳ کلوب عکس کارون، عضو انجمن عکاسان کانادا و امریکا
۴ نتایج سومین مسابقه عکس سالیانه کلوب عکس کارون- ونکوور
۵ مسابقه عکس سالیانه انجمن عکاسان کانادا منطقه پاسیفیک ۲۰۰۹
۶ تاریخچه ی عکاسی در ایران، مسعود سهیلی
۱۳ خانه مس کاشان، مسعود سهیلی
۱۹ جلسات ماهیانه کلوب عکس کارون
۲۰ معرفی کتاب
۲۱ چهره های فرهنگ و هنر، افشین شاهرودی
۲۵ عضویت در ایران
۲۴ فرم عضویت در کلوب عکس کارون
۲۳ اعضا جدید

۲ ۱۹۱۱

آگهی

آگهی های عکاسی، هنری، فرهنگی و آموزشی در این بولتن چاپ میشوند.
تمام صفحه ۱۰۰ دلار / نصف صفحه ۶۵ دلار / یک چهارم صفحه ۵۰ دلار

مقالات و عکس های این مجموعه توسط اعضای کلوب تهیه شده است و بیانگر نظرات نویسنده یا مترجم آن است. کلوب عکس کارون در این خصوص مسولیتی ندارد. استفاده از مطلب این بولتن بدون اجازه کتبی کلوب عکس کارون مجاز نمیباشد. استفاده از عکس ها نیاز به اجازه کتبی عکاس دارد.

کلاس های عکاسی در نورت شور ونکوور به زبان فارسی

مسعود سهیلی

لطفا برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید:

MasoudS@Caroun.com

604-916-8785

نتایج مسابقه عکس سالانه کلوب عکس کارون- ونکوور ۲۰۰۸

عکس های ارسالی اعضاء در تاريخ ۴ آوريل ۲۰۰۹ در Presentation House Theatre در نورت ونکوور توسط هينت داوران:

- ۱- آن بارگن، معاون انجمن عکاسان کانادا/مدیر کلوب عکس ریچموند
- ۲- وال دیویسون، مدیر سابق انجمن عکاسان کانادا
- ۳- بتی اندرس، مدیر سابق انجمن عکاسان نورت شور
بررسی گردید.

برندگان مسابقه:

- *** نفر اول: ملکه میرپویا (مدال طلای انجمن عکاسان کانادا و 1000 دلار) ایران
- *** نفر دوم: Algis Griskevicius (مدال نقره انجمن عکاسان کانادا و یک سال عضویت کلوب عکس کارون) لیتوانی
- *** نفر سوم: فرزاد امامی (مدال برنز انجمن عکاسان کانادا) ایران
- یک گواهینامه از طرف کلوب عکس کارون به برندگان نیز تقدیم شد.

ده عکس به عنوان عکس های منتخب انتخاب و به هر یک لوح تقدیر و کتاب عکاسان فوق الذکر اهداء شد:

سحر سیدی / بهمن سهامی / دانیال سهیلی / ملکه میرپویا / مهرداد بختیار / میصم کفای / فرزاد امامی / کاوه رسولی / علی شهیدی / مسعود هراتی

هم چنین، از میان عکس های دریافتی، کارهای زیر به عنوان عکس های خوب انتخاب شدند:

آرین سهیلی / آزاده فاتح راد/ دریاناز غریبانی / فرهاد وارسته / فرشادکریمانی / جلال سپهر / Jane Appleby / کیارش کیانی / مسعود کریمانی / مهری عبدالهی / میترا ضیغمی / نسرين سعادت آگاه/ نیلوفر میری / پردیس کریمانی / Philip Hersee / سید مداح زاد / سیمین ایران منش/ سیمین مشکور/ Simon Cicak / سوران عبدالله
نقشبندی

نمایشگاهی از عکسهای فوق در کانادا برگزار می شود. هم چنین عکس های فوق در کشورهای دیگر به صورت اسلاید شو (Digital AV Show) به نمایش گذاشته می شود. عکس های برندگان و منتخب در صفحات ۱۱ تا ۱۴ همین بولتن در بخش انگلیسی چاپ شده است. برای دیدن گزارش کامل به وب سایت کلوب مراجعه شود. از مجله فرهنگ که نتایج مسابقه را منتشر کرده است سپاسگزاریم.
برای مسابقه بعد آماده شویم!

مسابقه عکس سالیانه انجمن عکاسان کانادا منطقه پاسیفیک ۲۰۰۹

در این مسابقه ۱۹ کلوب از بی‌سی شرکت کرده بودند. عکس‌ها در ۲۵ آوریل در مرکز هنری ریچموند داوری شد، و همان روز در همان جا به نمایش گذاشته شد.

موضوع مسابقه "عکاسی خلاق" بود.

از بین ۱۹۰ عکس، عکس "مسعود هراتی" از کلوب عکس کارون با عنوان "عشق واقعی" مقام اول را به دست آورد، و صاحب مدال طلایی منطقه پاسیفیک انجمن عکاسان کانادا شد.

برای دیدن گزارش کامل به وب سایت کلوب مراجعه شود.



مسعود سهیلی

(www.MasoudSoheili.com)

این مقاله در مجله فرهنگ شماره‌های ۱۵۳ و ۱۵۴، مارچ ۲۰۰۹ چاپ شده است. سال‌ها پیش از اختراع عکاسی، اساس آن، یعنی "جعبه ی تاریک" وجود داشت و مورد استفاده قرار می‌گرفت. در خاورمیانه ابن هیثم دانشمند قرن پنجم هجری (۱۱ میلادی) برای بررسی و مشاهده ی کسوف از آن استفاده می‌کرد.

از قرن شانزدهم میلادی نقاشان ایتالیایی از جعبه ی تاریک برای طراحی دقیق تر مناظر و به تصویر کشیدن مجسمه‌ها استفاده می‌کردند.

از سوی دیگر، شولتسه آلمانی از سال ۱۷۲۷ سیاه شدن املاح نقره در اثر تابش نور را مطالعه می‌کرد. وج وود انگلیسی در سال ۱۸۰۲ بر روی سطوح حساس شده با نیترات نقره، نقش‌های شفاف‌ی را به دست آورد.

در حقیقت اختراع عکاسی کاری یکباره و بدون پیش زمینه نبود. عناصر تشکیل دهنده ی آن به تدریج طی قرون شناسایی شده و مورد استفاده قرار گرفتند بدون آنکه یک مجموعه ی کامل (دوربین عکاسی) ساخته شود.

سرانجام در سال‌های ۱۸۲۲ تا ۱۸۲۶ نیسپور نی بیس فرانسوی توانست تصویر جعبه ی تاریک را ضبط و ثبت کند. این تصویر روی ورقه ای قیراندود ثبت گردید. تصویر ابتدا به رنگ قهوه ای تیره بود و سپس تحت تأثیر نور سفید شد. نخستین عکس تاریخ در ۱۸۲۲-۲۶ توسط نی بیس گرفته شد.

در سال ۱۸۲۹، نیسپور نی بیس برای گسترش کار خود با نقاش ثروتمند فرانسوی، "لویی ژاک داگر" که تجربه‌های با ارزشی در زمینه ی کار با عدسی و جعبه ی تاریک داشت، شریک شد. آنها با همکاری یکدیگر شروع به کار روی صفحه‌های مسی نقره اندود کردند. این اختراع هنوز نامی برای خودش نداشت. تا اینکه پس از مرگ نیسپور نی بیس (۱۸۳۳)، شریکش این شیوه را به نام خود و تحت عنوان "داگرنوتیپی" در آکادمی فرانسه ثبت کرد و تصاویر به دست آمده را "داگرنوتیپ" نامید.

روش لویی ژاک داگر به این شکل بود: روی یک ورقه ی فلزی که توسط یدور نقره حساس شده بود، تصویر را می‌گرفتند. تحت تأثیر بخار جیوه آن را ظاهر می‌کردند و سپس آن را تبدیل به تصویر مثبت می‌نمودند. تنها یک نسخه از عکس به دست می‌آمد و به دست آوردن نسخه‌های متعدد از آن امکان نداشت.

سال‌ها بعد بود که واژه ی "فتوگرافی" مرکب از دو کلمه ی یونانی "فوتوس" به معنی نور و "گرافوس" به معنی نوشتن جای نام پیشین را گرفت.

از این زمان بود که روند کند اختراع عکاسی تسریع شد. اکتشافات و پیشرفت‌ها پشت سرهم آمدند. در سال ۱۸۳۵، تالبوت، شیمیدان انگلیسی توانست روی کاغذ شفاف نگاتیوهای بهتری ثبت کند. از این نگاتیو به وسیله ی چاپ مستقیم روی کاغذهای دیگر (که با کلرور نقره حساس شده بودند) عکس‌های پوزیتیو به دست می‌آمد. این عکس‌ها پس از ظهور با نمک طعام ثابت می‌شدند و مدت زیادی عمر می‌کردند. در سال ۱۸۴۰ تئوت با هیپوسولفیت سدیم انجام گرفت که تا امروز نیز ادامه داشته است.

در سال ۱۸۷۴، یک شرکت انگلیسی اولین شیشه‌های خشک عکاسی (نگاتیوهای قدیمی) را به بازار عرضه کرد. از این تاریخ بود که عکاسی جنبه ی عملی پیدا کرد. دوربین‌ها هنوز سنگین بودند. حمل و نقل مقدار زیادی شیشه ی سنگین و شکننده هنوز محدودیت‌های زیادی

برای عکاس ایجاد می کرد. تا اینکه فیلم جای شیشه را گرفت و عکاسی بسیار رواج یافت. با رواج عکاسی بحثی تازه در دنیای هنر مطرح گردید: "آیا با وجود عکاسی، نقاشی دیگر مفهومی دارد؟". این بحثی است که هم اکنون نیز میان هنرمندان جاری است. با یک کلیک در یک لحظه می توان یک تابلوی نقاشی که سه ماه کار می برد، را به تصویر کشید! در حقیقت عکاسی پرورنده ی مکاتب جدید نقاشی را بست.

این شکل جدید هنری در آغاز نگاهی به پیشینه ی پرفراز و نشیب نقاشی و مجسمه سازی داشت. عکاسان می کوشیدند عکس های خود را با استفاده از فنون عکاسی شبیه نقاشی کنند. در واقع کوشش برای فراتر رفتن از هنجارهای زیبایی شناسی رایج و کشف راه های نوین بصری در دوره های بعد صورت گرفت. چگونه دیدن با اتکاء به نظرات فلسفی و جامعه شناسی بحثی نوین در عکاسی بود. عکاسی خلاف عادت نوینی در میان سایر فنون و هنرها بود. دقت در ثبت جزئیات، سرعت انجام کار، عدم ضرورت و الزام مهارت پدی در طراحی ... از ویژگی هایی بود که به عکاسی نسبت به دیگر هنرهای تصویری جلوه ای برتر می داد.

تاریخچه ی عکاسی در ایران

به فاصله ی کوتاهی پس از اختراع عکاسی در زمان محمد شاه قاجار، اولین عکس ها در ایران توسط دیپلمات روس، نیکولای پاولف چاپ شد. شاهزاده ناصرالدین میرزای 13 ساله از اولین کسانی بود که به روش داگروتایپ عکاسی شد (1842). ناصرالدین جوان علاقه ی زیادی به نقاشی و طراحی داشت. از عکس هایی که از خارج به ایران می آوردند لذت می برد و زمانی که بر تخت سلطنت نشست یک استودیوی عکاسی در کاخ خود به راه انداخت. سفرهای وی به فرنگ هم در گسترش عکاسی در ایران تاثیر فراوان داشتند. او تجهیزات بسیاری از فرانسه به ایران آورد؛ مدرسه ی عکاسی بنیاد گذاشت، کتاب آموزش عکاسی تالیف کرد. شاه بود! مانند همه ی تغییراتی که در قرن های گذشته از بالا در کشور انجام گرفته بود، عکاسی هم توسط دربار به ایران آورده شد. ناصرالدین شاه اولین عکاس آماتور ایرانی بود و به این ترتیب توانست گنجینه ی تصویری بزرگی از عهد خود به یادگار بگذارد. همه ی ایرانیان اولین عکاس آماتور ایرانی را می شناسند.

در این دوره، آقا رضا عکاس باشی عکاس دربار شد. از تمام درباریان و فرماندهان پایتخت و بلاد دیگر عکاسی شد. در همه ی سفرها عکاس باشی همراه شاه بود و از تمام مسیر سفر عکاسی می کرد. امرای مملکتی در سفرهای خود نیز چنین مسئولیتی داشتند. از همه ی شهرها عکاسی مستند می شد. مجموعه ی این عکس ها در کتابخانه ی ملی، موزه ی کاخ گلستان و عکسخانه ی شهر گردآوری شده اند. برخی نیز هنوز در دست اشخاص باقی مانده است. در زیر همه ی عکس ها هم شرح مختصری نوشته می شد.

اما هیچکس اجازه ی ورود به حرم و عکاسی از سولگیان شاه را نداشت. این امر خطیر بر عهده ی شاه بود! وی تمام حرم را عکاسی کرد، همه ی زنان را؛ و نیز سرسره را. ناصرالدین شاه تصمیم به گردآوری مجموعه ی کاملی عکس از سرتاسر ایران کرد. به این خاطر، با چند عکاس اروپایی و روسی عقد قرارداد بست. اما مانند دیگر امور مملکتی، این کار هم ناتمام و انجام نشده ماند. تنها تعداد معدودی عکس از تخت جمشید، فلک الافلاک، مسجد کبود، و گنبد سلطانیه گرفته شد. علاوه بر ژول ریشارد فرانسوی و عکاس باشی هم در این زمینه حرکتی کرد ولی به نتیجه نرسید. در حقیقت آنچه که باقی ماند عمدتاً محصول سفر شاه و درباریان بود که توسط عکاس باشی، شاه و یا درباریان گرفته می شد.

در ایران مدت ها از روش داگروتایپ برای عکاسی استفاده می شد که امکان تکثیر عکس ها وجود نداشت و بیشتر عکس ها در برابر نور از میان می رفتند. به ناچار عکس ها را در جلد چرمی نگه می داشتند. از آنجا که عکاسی در ایران تقریباً به روز بود، روش تالبوت و امکان

تکثیر عکس بسیار سریع به ایران رسید و مشکل مزبور حل شد. در این دوران عکس را مانند نقاشی در قاب مزین به دیوارها می آویختند. سپس آلبوم عکس نیز متداول شد. آلبوم عکس کاخ گلستان یکی از بهترین مجموعه های آن دوران است.

همچنین، 15 جلد کتاب عکاسی تالیف و یا از زبان های انگلیسی و فرانسه به فارسی ترجمه شد که همگی به شاه یا درباریان اهداء شده بودند. در همین دوره بود که واژگان فتوگرافی به فارسی تعیین شد و تاکنون نیز از همان واژگان استفاده می شود. داگرنوتایپ، "صفحه ی نقره" نامیده شد. کلمات "عکس"، "دوربین عکاسی"، "عکاسی"، "نگاتیو"، "پوزیتوو"، "عکاس" و "عدسی" از همان تاریخ در فرهنگ عکاسی ایران استفاده می شوند.

از مجموعه ی عکس های سفر ناصرالدین شاه که در کاخ گلستان گردآوری شده حدود 30 هزار عکس مربوط به استان سمنان است که در مسیر سفرهای شاه به مشهد عکاسی شده است. اولین سفر ناصرالدین شاه به مشهد در سال 1284 ه. ق. است. در این سفر آقا رضا عکاس باشی وظیفه ی ثبت تصاویر را بر عهده داشت. عکاسی از شهرها و روستاهای ایوانکی، قشلاق، آرادان، پاده، ده نمک لاسنجر، سرخه، سمنان، توشه، امیرآباد، دامغان، چشمه علی، مهماندوست، ده ملا، بسطام، شاهرود، ابرسج، خیرآباد، ارمیا، میامی، میاندشت، عباس آباد، استرمد و داورزن انجام می شود. سپس تمام شهرها و روستاهای مسیر از سبزوار تا مشهد عکاسی می شوند.

عبدالله بن جهانگیر میرزا از دیگر عکاسان دارالخلافه ی ناصری است. او در سال 1307 ه. ق. به دستور ناصرالدین شاه مامور عکسبرداری از بناها و آثار تاریخی می شود. وی تهران، شاهرود، آق قلعه (ترکمنستان)، استرآباد، گرگان، دشت ترکمن، مازندران، اشرف، ساری و آمل را عکاسی می کند. وی علاوه بر بناها، پرتره هم می گیرد.

در سال 1312 ه. ق. عبدالله قاجار مامور عکاسی از سرحدات خراسان می شود تا از امراء، حکام، آثار تاریخی و هر آنچه موجود است عکاسی کند.

ویکتور اسمنیوف، افسر روس نیز در سال 1315 ه. ق. مسیر خود از سرحدات خراسان تا تهران را عکاسی می کند. عکس هایی که وی گرفته بود نیز در کاخ گلستان گردآوری شده است.

ژول ریشارد در سال 1860 در مدرسه ی دارالفنون عکاسی تدریس می کرد. لویجی پسکه ی ایتالیایی نخستین عکس ها را از تخت جمشید و پاسارگاد گرفت و در سال 1862 از آنها نمایشگاهی در لندن برگزار کرد. مهندس آلمانی، ارنست هولتز، نیز در طی سی سال در اصفهان 3000 نگاتیو ثبت کرد.

به تدریج استودیوهای عکاسی تجاری در شهرهای بزرگ مانند طهران (تهران) و رشت به راه افتاد. استودیوهای سیار هم در محل های توریستی برپا شد، علاوه بر آنکه توریست ها هم دیگر دست به دوربین شده بودند.

آنتوان سوروگین (1830-93)، فرزند دیپلمات روس در تهران، اولین عکاس تحصیل کرده ی ایران است. وی در تبلیسی (تفلیس) درس عکاسی خوانده بود. او آذربایجان و کردستان را عکاسی کرد. سوروگین یک استودیوی عکاسی در تهران باز کرد و بعدها عکاس دربار شد. وی مجموعه ای شامل 7000 عکس پرتره، مناظر طبیعی، مناظر شهری، معماری، آثار باستانی، مراسم و جشن ها، روستاها و عشایر گردآوری کرد و عکس هایش را در اروپا هم به نمایش گذاشت. وی در تهران درگذشت.

عکاسی در ایران به فاصله ی بسیار کوتاهی از اروپا شروع شد و در دوران ناصرالدین شاه و با حمایت او به اوج شکوفایی رسید. پس از درگذشت شاه همدوست و رودرویی ایران با بحران های سیاسی پیاپی، رشد و گسترش عکاسی سرعت اولیه خود را از دست داد. با این حال عکس های خوبی از انقلاب مشروطه و بحران جنگ جهانی دوم موجود است.

عکاسی ایران در دوره ی معاصر

وقفه ی بزرگی به فاصله ی زمانی حکومت ناصرالدین شاه و رضاشاه در عکاسی ایران به وقوع پیوست. عکاسی ایران که پا به پای اروپا پیش می رفت، عقب ماند.

در دوران رضا شاه به دلیل تمرکز حکومت و برقراری سیستم بوروکراتیک اروپایی، نیاز به عکاسی برای تهیه ی عکس پرسنلی برای نظام وظیفه، اجباری شدن الصاق عکس به مدارک مدارس متوسطه، عالی، طبابت و دندانسازی، بار دیگر این عرصه فعال شده و عکاس خانه های بیشتری در تهران و شهرستان ها افتتاح شد و گستره ی مشتریان افزایش یافت.

مدرسه ی عکاسی توسط رئیس دارالفنون، "میرسیدعلی خان" تاسیس شد. عکاسی به پیش آهنگان عکاسی تدریس می شد. ورود دوربین های قطع کوچکتر لایکا، رولیفکس و تک لنزی انعکاسی نیز به شکوفایی عکاسی ایران کمک بسزایی نمود.

با توجه به سیاست جدید رژیم در تبلیغات مطبوعاتی، عکاسی جان تازه ای گرفت. تبلیغ رشد صنایع، راه سازی، ورزش، و حضور زنان در جامعه، نیاز به عکاس خبری داشت. همچنین، حفاری ها، کشف نواحی تاریخی، عکاسی از اشیاء موزه ای و تاریخی ... و به تبع آن کنترل حکومتی بر کار عکاسان، موجب تدوین قوانین و مقرراتی برای کنترل کار عکاسان شد: اولین ممیزی عکاسی در ایران - 1317

در همین دوره عکس های یادگاری باب شد. اما بیش از همه، عکاسان به همراه گروه های سربازگیری در اقصی نقاط کشور به ثبت تصاویر جوانان نورسته مشغول بودند.

به دو دلیل کیفیت عکس ها در این دوره بسیار پایین بود: نخست آنکه مشتریان این گروه اجباری بودند، و در ثانی، حجم کار بسیار بالا بود و عکاس فرصت پرداختن به عکس را نداشت. در این دوره عکاسان از دوربین های روسی استفاده می کردند که متشکل از جعبه های چوبی و لنز با کیفیت پایین بودند. در زیر جعبه محفظه ای تعبیه می گردید که در آن داروی ظهور و ثبوت می ریختند و بجای فیلم نیز از کاغذ استفاده می شد. به همین دلیل عکس آرشو نمی شد.

در سال 1306 الصاق عکس به گواهینامه مدارس اجباری شد. این مشتریان در رابطه با کیفیت عکس توقع بیشتری داشتند. به همین علت عکاسان برای این گونه عکس ها دقت بیشتری به خرج می دادند. در میان عکس های این دوران سوژه با کلاه پهلوی، زمینه های تاریک و روشن و نورپردازی بهتر و رتوش به چشم می خورد. این عکس ها در عکاس خانه گرفته می شد و از شیشه ی حساس به نور برای عکاسی استفاده می شد. از همین سال بود که ورود لوازم و مواد مصرفی عکاسی به کشور گسترش یافت. تجارت خانه ها و دواخانه های ناصریه از همان زمان دست به این کار زدند.

پس از استقرار کامل پهلوی، مطبوعات که در واقع در کنترل کامل شهربانی بودند، به چاپ تصاویر تایید شده فرمایشی و تبلیغاتی سران پرداختند. این خود زمینه ی ورود موضوعاتی در صفحات مطبوعات را پدید آورد که تا پیش از آن معمول نبود: عکس های خبری مراسم افتتاحیه ها، نشان دادن چرخ های در حال ایجاد و پیشرفت صنایع، جوانان ورزشکار ... پس از آن موضوعات دیگری در مطبوعات رایج شد: عکس های مناظر طبیعی، بناهای تازه تاسیس شده، مد لباس بانوان و آگهی های مصور!

از مطبوعات آن دوره:

1304: سال نامه ی "تقویم نظامی پهلوی" در 476 صفحه توسط اسدالله گلشانیان در مطبعه ی باقرزاده

تیر 1306: نخستین شماره ی عکسدار روزنامه ی اطلاعات با عکس رضاشاه به چاپ رسید.

1306: "گاهنامه طهران" توسط سید جلال الدین طهرانی در قطع جیبی با 119 صفحه ی مصور

مطبوعات ایران که از 1253 تا 1313 در رکود کامل بودند، در سال های 1313-1314 با استفاده از عکس به دوران رونق خود وارد شدند. در سال 1314 تعداد 94 روزنامه و مجله در ایران منتشر شد: اطلاعات، ستاره، کانون، نامه عراق (اراک)، نامه هفتگی، باتوان ایران، مجله هفتگی راه سلامت، مجله ماهنامه دامپزشکی، مجله ماهانه اقتصاد ... سال نامه های پارس، خراسان، ایران امروز، طهران، ایران باستان ...

گستره ی موضوعات عکاسی در مطبوعات آن دوره به جایی رسید که بعضی ها لب به انتقاد گشودند. برای نمونه در شماره ی سوم "خوشه" در 1321 شمسی آمده است: "... پاره ای از مجلات باعکس های زنان لخت و مدهای لباس خانم ها، مار سه کله و افعی بی دم، مار چهارچشم و خلاصه اخبار جهان... آش شله قلمکاری درست می کنند و پشت جلد آن ها را با عکس های لخت چپ اندر قیچی به نام کاریکاتور ... مزین می کنند ..."

در حقیقت در این دوره عکاسان آتلیه بودند که کار عکاسی مطبوعات را انجام می دادند.

عکاسی از آثار تاریخی و موزه ای به دلیل چند پروژه ی بزرگ در این دوره رونق گرفت. در آبان 1309 قانون حفظ آثار عتیقه تصویب شد. در پی آن کلیه آثار و ابنیه و اماکنی که تا پایان سلسله ی زندیه در ایران احداث شده بود، اعم از منقول و غیرمنقول، جزو آثار ملی ایران محسوب گردیده و تحت حفاظت و نظارت قرار گرفتند. در همین سال ها یک گروه باستان شناسی تحت نظر "هرتسفلد" به کاوش تخت جمشید مشغول شدند.

با گسترش فعالیت عکاسی، مسئله ی کنترل بر آن نیز مطرح شده بود. در سال 1314 اولین جواز عکاسی برای "عبدالله خان امید" صادر شد. در سال 1317 آیین نامه ای در سیزده ماده و یک تبصره در جلسه 29 اردیبهشت هیئت وزرا وقت به تصویب رسید. بر طبق این آیین نامه:

- کسی حق ندارد بدون داشتن پروانه ی اداره ی شهربانی از معابر، خیابان ها، عمارات، باغ های ملی، دورنماها و سایر مناظر، بنادر، کشتی های تجاری، کارخانجات، نماهای ظاهری و داخلی ابنیه ی تاریخی و مذهبی عکس برداری، نقاشی و طراحی نماید. برای ابنیه ی تاریخی اجازه ی وزارت معارف نیز لازم است.

- پروانه ی عکاسی جهانگردان را قنصلگری دولت شاهنشاهی در خارجه صادر می نماید.
- فیلم برداری، عکاسی، نقاشی و طراحی از قلاع و استحکامات و موانع و بنگاه های ارتشی و متعلقات آن و آنچه برخلاف مصالح و حیثیات کشوری است، مطلقاً ممنوع است.
در واقع در این دوره عکاسی بیشتر رشد کمی داشته است تا کیفی چراکه مخاطب بطور فعال با سوژه برخورد نمی کرده و موضوع عکس برداری از پیش تعیین شده و در بهترین حالت عکاسی مستند بوده است.

اولین تشکل عکاسی جهان "انجمن سلطنتی عکاسان انگلستان" پس از دو سال فعالیت مستمر عکاسان انگلیس و بالا و پایین رفتن آن در 1853 تشکیل گردید. فعالیت های این انجمن با نمایشگاه عکسی در تابستان 1851 شروع شد. (Royal Photographic Society (RPS مستمرا نمایشگاه و مسابقات سالیانه برگزار می کرد و اکنون نیز بزرگترین انجمن عکاسی جهان است.

اولین تشکل عکاسی ایران و خاورمیانه به نام "انجمن عکاسی آبادان" در سال 1337 در آبادان شکل گرفت. این انجمن تا زمان شروع جنگ فعالیت می کرد. این انجمن فعالترین مجموعه ی عکاسی ایران بود که در زمان فعالیت خود بطور متناوب 200 تا 250 عضو داشته که 20 نفر آنان زن بوده اند. جنگ بخش عمده ی مدارک این انجمن را از میان برد. چنین حرکتی دیگر در ایران پا نگرفت. گروه ها و محفل های عکاسی مختلف تشکیل می شدند و می شوند و از میان می روند. پس از انجمن عکاسی آبادان، بحث تشکیل انجمن ملی عکاسان ایران از سال 1365 و بدون هیچ گونه رشد طبیعی، تشکیل و ادغام گروه ها، مطرح شد. در 1386 اولین جلسه ی این انجمن تشکیل و قرار تنظیم اساسنامه ی آن صادر شد. ولی تاکنون اقدام اساسی ای صورت نگرفته است.

پایدارترین تشکلی که در این فاصله ی زمانی بنیاد نهاده شد و بطور مستمر نمایشگاه ها و مسابقات خود را برگزار کرده است و همچنان به فعالیت خود ادامه می دهد، کلوب عکس کارون است. این کلوب 5 سال پیش با هدف ارتقاء فن و هنر عکاسی و ایجاد ارتباط بین المللی میان عکاسان، ارتباطی که ربع قرن برای عکاس ایرانی قطع شده بود، در تهران تشکیل گردید. کلوب کارون تنها گروه عکاسی ایران بود که اعضا را ارزیابی نمی کرد و ثبت نام برای همه آزاد بود. آنانی که می توانستند رشد می کردند. این کلوب به تناوب 50 تا 300 عضو داشته است. دفتر مرکزی این کلوب از یک سال و نیم پیش به و نکوور منتقل شد ولی همچنان شمار زیادی از اعضا ایرانی هستند. کلوب عکس کارون عضو انجمن عکاسان کاناداست.

اگر به مجموعه ی عکس های تاریخ ایران بنگریم، عکاسی مستند بالاترین جایگاه را در عکاسی ایران دارد. از اواسط دهه ی 40 با پیدا شدن امکان اعزام دانشجو به خارج و تحصیل هنر عکاسی توسط دانشجویان، عکاسی هنری در ایران مفهوم یافت.

رشد مجدد و سریع عکاسی در ایران در اوایل دهه ی 50 با توجه به گسترش ارتباط جامعه با اروپا و با حمایت مجدد حکومتی از هنر آغاز شد. تعداد انگشت شماری از دانشجویانی که برای عکاسی به فرنگ رفته بودند (مانند کامران عدل) به ایران بازگشتند. اکثر عکاسان این دوره در رشته ی عکاسی تحصیل نکرده خودآمخته بودند. نصرالله کسرائیان معمار بود. مریم زندی اقتصاد خوانده بود. افشین شاهرودی حسابدار بود. هادی شفائیه شبمی و داروسازی خوانده بود. و نیز خیل عکاسان تجربی. این نسل مجموعه ی گرانبهایی نگاتیو و اسلاید از ایران و ایرانیان تهیه کردند. روستاهایی را که پای شهریان به آنجا نرسیده بود، شناسایی و عکاسی کردند. این نسل بنیادگذار عکاسی نوین ایران بود.

در اوایل دهه ی 50 هادی شفائیه برای اولین بار در ایران، پس از دوران قاجار، کلاس آموزش عکاسی علمی کلاسیک و هنری را در دانشگاه صنعتی شریف به صورت تک درس برپا نمود. من آسیستان او بودم. پس از آن همین کلاس در دیگر دانشگاه ها و از جمله در دانشگاه تهران تشکیل گردید. اولین جزوه ی آموزش علمی عکاسی به فارسی تالیف شد. پس از بازگشایی مجدد دانشگاه، آقای شفائیه رشته ی عکاسی (لیسانس عکاسی) را در دانشگاه بنیادگذاری کرد. نخستین کتاب مدون آموزش عکاسی نیز تحت عنوان "فن و هنر عکاسی" توسط وی تالیف گردید. از این کتاب تا کنون هشت چاپ منتشر شده است و همچنان بهترین مرجع آموزش عکاسی است. اولین نسل عکاس تحصیل کرده ی ایرانی در سال 1367 فارغ التحصیل شدند، کسانی هم اکنون در دانشگاه ها تدریس می کنند. هادی شفائیه (متولد 1302) پدر عکاسی نوین و علمی ایران، هم اکنون در آمریکا در منزل پسر خود دوران بازنشستگی اش را می گذراند. در این دوره عکاسان دیگری نیز به تالیف و ترجمه ی کتاب های آموزشی و دیگر کتاب های عکاسی اقدام نمودند و عکس هایشان را به صورت کتاب چاپ کردند. مجلات عکاسی نیز پا گرفتند.

اما تفاوت اساسی عکاسی در اروپا و ایران چه بود؟

پس از اختراع دوربین عکاسی، زمانی که عکاسان اروپایی دوربین به دست گرفتند، پشتوانه ی قرون متمادی اروپا را پشت سر داشتند. نخستین عکاسان اروپایی همان نقاشان بودند، که مکاتب هنری را با قلم خود تجربه کرده و به خوبی می شناختند. ژان لوئی داگر که عکاسی را ثبت کرد، خود یک نقاش باتجربه بود. دوربین عکاسی اروپایی با قرن ها تجربه عکاسی می کرد؛ با تمام ایسم ها!

اما در ایران چه گذشت؟

پس از حمله ی اعراب و دو قرن سکوت، تنها ادبیات و به تبع آن، کتابت قدم به عرصه ی فرهنگ ایران گذاشت، آنهم در کنج خانه ها. بعدها دربار نیز پناهگاهی برای ادبیات شد. اما بار دیگر حملات شروع شد: ترک ها، ترک ها ... مغول ها، تاتارها، افغان ها ... ولایتی تکه پاره با قرن ها تهاجم و استبداد.

نقاشی می کردند: مینیاتور، قرن ها و قرن ها به همان شکل.

زمانی که برای اولین بار پس از حمله ی اعراب، صفویه حکومتی متمرکز و یکپارچه را بنیاد گذاشتند، پس از سرکوب های داخلی و خلاصی از جنگ های خارجی، تنها خطاطی بود که قدری پا گرفت و پیش رفت. دیگر هنرها نقش چندانی نداشتند. اما ادبیات در تمام این دوران ها ترکتازی می کرد. ایرانیان شاعر بودند. هنوز هم همه شاعرند!

این وضعیت تا دوران قاجار ادامه داشت. ارتباط با اروپا در این دوره هنر ایران را متحول کرد. با شروع سفرهای ناصرالدین شاه نقاشی جدیدی، یعنی رئالیسم، به ایران وارد شد. این بزرگترین تغییر هنری بود، اما وارداتی بود و از دل مینیاتور بیرون نیامده بود. چیز دیگری بود. در چنین بستری، ناصرالدین شاه، درباریان، آقا رضا عکاس باشی و ... تکنیک عکاسی را از اروپاییان آموختند و عکاسی به ایران هم وارد شد. به فاصله کوتاه چندساله ای (شاید سه سال) پس از شروع عکاسی در اروپا، پیش قراولان این هنر جدید را در ایران آغازیدند.

تجربه ی هنری این پیش قراولان چه بود؟

مینیاتور با رئالیسم جایگزین شد. خطاطان به کتابت خود مشغول بودند. نویسندگان و شاعران قلم می زدند. هیچ کدام را با عکاسی کاری نبود. اولین عکاسان ایران نیز با آنان کاری نداشتند و چیزی هم از آنان نیاموختند. آنها چیزی برای آموختن نداشتند.

عکاسان ایرانی بدون پشتوانه ی تاریخی هنری، ناب، یا بهتر است بگوییم بدون هیچ تجربه ی هنری از نسل های گذشته، عکاسی را شروع کرد. این مردان توانستند گنجینه ی مستند باارزشی از دوران خود به یادگار بگذارند.

جلسات ماهیانه کلوب عکس کارون

سومین چهارشنبه هر ماه ساعت ۹-۷ عصر در گالری سیلیک پرس در وست ونکوور
برگزار میشود.

آدرس:

1570 Argyle Ave., West Vancouver, BC, V7V 1A1

این مقاله در مجله فرهنگ شماره ۱۵۷، آوریل ۲۰۰۹ چاپ شده است.

روایات مختلفی در خصوص نام کاشان موجود است. عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی) در "تاریخ کاشان" چنین میگوید:

آنچه در افواه اهالی این بلد معروف است، در زمان قدیم نام این ولایت "چهل حصاران" بوده است و قلعه بندی مخصوصی نداشته. در هنگامی که "زبیده خاتون"، منکوحه هارون الرشید خلیفه عباسی از زمین کاشان گذر کرد... بنا به درخواست ساکنان این دیار فرمان میدهد تا کاشان را بنا نهند... بنیاد قلعه بندی این بلد را گاه فشاندند، لحاظا به "گاه فشان" موسوم گشت و به کسرت استعمال پارسیان "کاشان" اش گویند...

اقوال دیگری نیز موجود است: "کی آشیان"، ولی هیچ کدام معتبر نیست. آنچه منطقیتر از همه به نظر می‌رسد، مهاجرت اقوام هندو اروپایی "کاس" ("کاش" یا "کاسو" یا "کاشو") ساکنان کناره‌های دریاچه آرال و شمال دریای خزر (کاسپین) به مناطق مرکزی ایران در جستجوی مامن گرم تر است. اینان بودند که قزوین و کاشان را بنا نهادند و نام این دو شهر از نام این قوم است. فین و سیلک نیز در همان ایام و توسط اقوام کاس بنا نهاده شد.

آنچه که تاریخ نشان می‌دهد، سفال‌گری و ذوب مس اولین بار در جهان در این منطقه انجام شد. باقیمانده سفال و کوره‌های ذوب مس از تپه‌های سیلک گرد آوری شده اند. سیلک در سه دوره، از دوره پنجم تا سوم زمین‌شناسی (حدود ۶۰۰۰ تا ۱۳۰۰ قبل از میلاد) در رونق بوده است و در قرن هشتم قبل از میلاد ویران شد.

کاشان ۹۴۵ متر از سطح دریا بالاتر است و آب و هوای گرم و خشکی دارد. این شهر شهرت دیرینه ای برای مردم محافظه کار و عقرب دارد و از کم آبی‌رنج می‌برد. شهر زلزله خیز کاشان بارها و بارها با قحطی‌های مکرر رو برو شده است. در چنین شرایطی غلات و مواد غذایی مورد نیاز اهالی شهر از بروجرد تامین می‌شد.

از دوره ساسانیان نیز آثاری در این شهر به جا مانده است: چهار تاقی نیاسر و نطنز. در این دوره از کاشان جهت تجهیز سپاه ساسانی در جنگ با تازیان استفاده می‌شد. اخیرا غار بزرگی (هم چون یک شهر) در دل کوه‌های مجاور کاشان از دوران غار نشینی پیدا شده است.

کاشان به علت مدارس اش از دوره سلجوقیان شهرت زیادی دارد. محققان، خوش نویسان و دبیران این منطقه با عناوین کاشی، کاشانی، فینی، راوندی... شناخته می‌شوند. در دوره صفویه بهای زیادی به این شهر مذهبی داده شد و ابنیه و بازارهای مختلف در شهر ساخته شد. بافندگی زربفت و ابریشم در این شهر رشد کرد. در زمان کریم خان زند در زلزله ای ویران شد، ولی بعدها توسط حاکمان شهر باز سازی گردید. آداب و رسوم مردم شهر در قرون اخیر مانند دیگر نقاط ایران بوده است: یک هفته عروسی، چهل روز عزاداری...

کاشان، هم چون دیگر نقاط ایران، بارها و بارها مورد حملات مهاجمین عرب، ترک، مغول... قرار گرفت. زمانی که مغول‌ها به شهر رسیدند، شهر را خالی از سکنه یافتند؛ ایضا تمامی روستاهای منطقه را. در دفعات بعدی حمله، هنگامی که اهالی شهر را غافلگیر کردند، از سر مردان مناره‌ها ساختند.

تک تک خانه‌های مسکونی منطقه، خانه‌ای در زیر خانه خود حفر کرده بود. این مامن‌ها به یکدیگر راه داشتند و شهری در زیر شهر دیگر ساخته شده بود، که حداقل وسایل و لوازم زندگی در آن همواره تامین بود؛ شهری در زیر شهر دیگر نهفته بود. کاشان و روستا هایش، چه در کویر و چه در مناطق کوهستانی، دو طبقه بودند. هنگام حملات شهر و روستا خالی از سکنه می‌شد و همه به شهر یا روستای زیر زمین پناه می‌بردند.

بخش عمده شهر زیر زمینی کاشان در دوره معاصر از بین رفته است، ولی روستاهای مجاور به خصوص در مناطق کوهستانی کماکان دو طبقه اند. روستای کوهستانی نیا سر، روستای سنگی دیگری در زیر خود پنهان کرده است.

علاوه بر تاثیر شرایط جوی، تاثیر اجتماعی سیاسی حملات قبایل متعدد به سرزمین پهناور ایران در معماری بناهای مسکونی کماکان مشهود است. کوبه‌های در برای مردان و زنان متفاوت شد. از طرف دیگر درهای ورودی ابنیه کوتاه شد. راهروهای طولانی و بلند، باریک و تاریکی برای ورود به خانه تعبیه شد. در شهرهای خشک مثل کاشان، ساختمان و حیات در گودی قرار گرفت. به این ترتیب مغولان و دیگر مهاجمین نمی‌توانستند به راحتی وارد خانه شوند. اینان همواره برای حفظ امنیت خود با اسب به خانه‌های مسکونی می‌ریختند. در کوتاه، راهروی تنگ و تاریک، حیات و ساختمان گود، همه مانعی بر سر راه ورود این قبایل وحشی بود.

در بافت قدیمی شهر کاشان، بیش از ۸۰۰ خانه قدیمی موجود است. این خانه‌ها به تعمیر و باز سازی نیاز دارند. باز سازی ۳ خانه (طباطبایی، بروجردی و علویان) از ۲۵ سال پیش توسط سازمان میراث فرهنگی شروع شده و کماکان نا تمام مانده است. از حدود ۵ سال پیش، سازمان میراث فرهنگی مجوز باز سازی و بهره برداری این خانه‌ها را توسط بخش خصوصی صادر کرد. "خانه آل یاسین" توسط شهرداری کاشان در مدت یک سال باز سازی شد و هم اکنون به عنوان "دفتر فنی شهرداری کاشان" بهره

بررداری میشود. طی سال‌های اخیر بیش از ۱۰ خانه قدیمی دیگر باز سازی شد. از این خانه‌ها به عنوان مهمان سرا، هتل و دفاتر شرکت‌های خصوصی استفاده می‌شود. خانه "هاشمیان"، که یکی از بناهای قدیمی است، توسط شرکت "دنیای مس" خریداری و طی ۲ سال باز سازی شد. از این بنا به عنوان دفتر و مهمان سراى شرکت استفاده می‌شود. هم اکنون این ساختمان به نام "خانه مس" شناخته می‌شود.

ساختمان خانه مس بیش از ۱۶۰ سال قدمت دارد و احداث آن به دوره قاجار مربوط می‌شود. ساختمان در ۳ طبقه با معماری اعیان نشین در زمینی به مساحت ۱۵۷۰ متر مربع بنا شده و دو حیات اندرونی و بیرونی دارد. فضای اصلی ساختمان پیرامون این دو حیات شکل گرفته است. اندرونی و بیرونی درهای جداگانه دارند. حیات بیرونی در قسمت شمال و حیات اندرونی در بخش جنوبی مجموعه است. سرداب تابستان نشین است و شاه نشین به حیات‌های اندرونی و بیرونی راه دارد. خانه ۵/۵ متر پایین تر از سطح کوچه بنا شده و سه بر دارد و امام زاده‌ای در مقابل بنا واقع شده است. از منظر معماری، دوره‌های نیم گرد کامل قاجاری بنا، در، پنجره و سقف شایان توجه است.

اعوجاج در عکاسی معماری (Distortion)

در بسیاری از عکس‌هایی که از ساختمان‌ها گرفته می‌شود، ستون‌ها در تصویر موازی نبوده و به یکدیگر نزدیک می‌شوند، در حقیقت خطوط عمودی به پرسپکتیو می‌روند. گاهی چنین خطایی تصاویر زیبایی می‌آفریند، مثل عکس‌هایی که از برج‌ها از زیر گرفته می‌شود. گاهی نیز خطوط افقی از حالت تراز خارج شده و قوس پیدا می‌کنند یا کج می‌شوند. برای جلوگیری از اعوجاج خطوط عمودی تصویر، دوربین بایستی در مقابل مرکز سطح ساختمانی، که از آن عکاسی می‌شود، قرار داده شود. گاهی مجبور می‌شویم از نردبانی بلند برای عکاسی استفاده کنیم، ولی برای ساختمان‌های بزرگ به هر حال تصحیح عکس الزامی است.

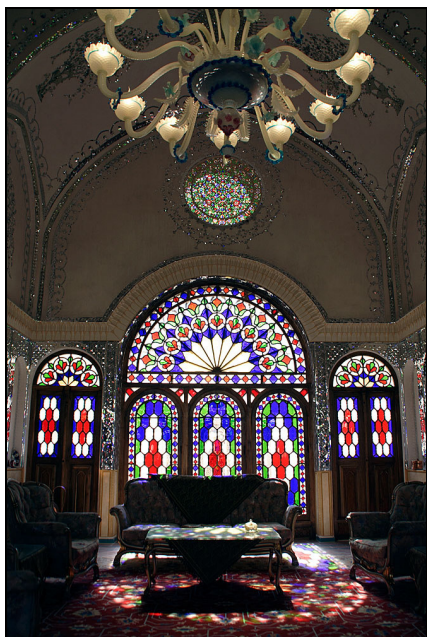
اما همیشه امکان قرار دادن دوربین در مرکز تصویر نیست. قبلا در دوربین‌های فیلمی حرفه‌ای با کمک فانوسی قبل از لنز تصحیحات تیلت و شیفت انجام می‌شد. در یکی از لنزهای دوربین دیجیتال ساخت کارخانه کانون نیز امکان تیلت و شیفت نصب شده است، ولی لنز گرانی است.

با فتو شاپ می‌توان اعوجاج حاصل در خطوط افقی و عمودی عکس‌های معماری را تصحیح کرد:

Filter>Distort>Lens Correction

گاهی اوقات در عکاسی با لنز واید گوشه‌های تصویر تیره می‌شوند. در همان قسمت فوق‌الذکر فتو شاپ با دستور العمل Vignette می‌توان نواحی تیره را روشن کرد.







جلسات ماهیانه کلوب عکس کارون

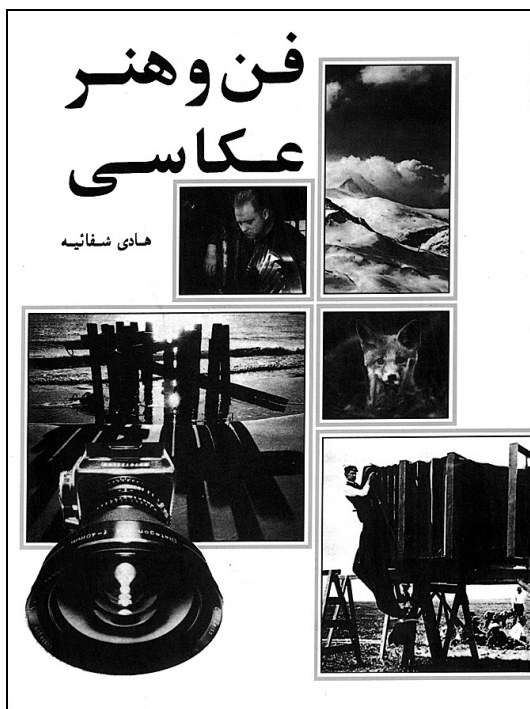
کلوب عکس کارون با هدف ارتقا فن و هنر عکاسی و ایجاد ارتباط محلی و بین المللی بین عکاسان پنج سال پیش تاسیس گردید. در این راستا علاوه بر برگزاری مسابقات و نمایشگاه در کشور های مختلف، هر ماه ساعت ۹-۷ بعد از ظهر سومین چهارشنبه در گالری سیلک پرس در وست ونکوور جلسات ماهیانه کلوب عکس کارون به شرح زیر برگزار شده و می شود. حضور کلیه علاقه مندان در جلسات آزاد است.
آدرس: 1570 Argyle Ave., West Vancouver, BC, V7V 1A1

- ۱۶ دسامبر ۲۰۰۹: "عکاسی پرتزه در نور طبیعی"، مرجان سمیعی
۱۸ نوامبر ۲۰۰۹: نمایش عکس و سخنرانی توسط "وال دیویسون" (Val Davison)، مدیر سابق انجمن عکاسان کانادا
۲۱ اکتبر ۲۰۰۹: نمایش عکس و سخنرانی توسط "بتی اندرس" (Betty Andres)، مدیر سابق انجمن عکاسان نورت شور
۱۶ سپتامبر ۲۰۰۹: نمایش عکس و سخنرانی توسط "لیونا ایساک" (Leona Isaak)، عضو هیات مدیره سابق انجمن عکاسان کانادا
۱۹ اگوست ۲۰۰۹: نمایش عکس مسابقات و نمایشگاه های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ (۳ اسلاید شو)
۱۵ ژولای ۲۰۰۹: "کالیبره کردن مونیتور، پرنیتر و اسلاید پروژکتور"، هریس هسیمبگویک (Haris Hasimbegovic)
۱۷ جون ۲۰۰۹: نمایش عکس از سفر آفریقا و سخنرانی در خصوص "عکس خوب چیست؟ عکس بد چیست؟"، "الن بارگن" (Allen Bargaen)، معاون انجمن عکاسان کانادا
۲۰ می ۲۰۰۹: عکاسی و چاپ دیجیتال لارژ فرمت (سایز بزرگ)، مارک پریور (Mark Prior)، از دنمن آیلند
۱۵ آوریل ۲۰۰۹: نمایش عکس و سخنرانی در باره "خانه مس"، خانه ای ۱۶۰ ساله در کاشان، مسعود سهیلی / نمایش عکس های برندگان سومین مسابقه کلوب عکس کارون / نمایش ۱۰۰ عکس برتر مسابقه ۲۰۰۹ انجمن عکاسان نورت شور
۱۸ مارت ۲۰۰۹: نمایش عکس های سفر اروپا همراه با توضیح در خصوص روش عکاسی، علی رضا خاوران
۱۸ فوریه ۲۰۰۹: نمایش عکس و سخنرانی درباره یک قبرستان ۵۰۰۰ ساله ایران، مسعود سهیلی
۲۱ ژانویه ۲۰۰۹: "تجهیزات استودیویی و عکاسی استودیویی"، همراه با نمایش عکس از سفر ایران، مسعود هراتی
۱۸ دسامبر ۲۰۰۸: HDR، علی رضا خاوران
۱۹ نوامبر ۲۰۰۸: نقد و بررسی عکس های اعضا
۱۵ اکتبر ۲۰۰۸: نقد و بررسی عکس های اعضا

معرفی کتاب

فن و هنر عکاسی، هادی شفاییه

این کتاب بهترین مرجع برای آموزش عکاسی از ابتدایی تا پیشرفته است. علاوه بر آموزه تکنیک عکاسی، هنر عکاسی نیز تشریح می‌شود.



بخش تکنیک عکاسی شامل دوربین، لنز، شاتر، دیافراگم، فیلم رنگی و سیاه و سفید، ISO، نور سنج، فیلتر، فلاش... است. قسمت بعدی شامل هنر دیدن، عناصر گرافیکی تصویر، کادر بندی، نقطه دید، استفاده خطوط در عکس، پرسپکتیو، کمپوزیسیون، احساس عمق و بعد... عکاسی از طبیعت، موضوعات متحرک، بچه ها، پرتره، نور پردازی... است. بخش آخر کتاب شرح کاملی از ظهور و چاپ فیلم و عکس سیاه و سفید برای علاقه مندان است.

علاقه مندان می‌توانند این کتاب را از "کتاب فروشی نیما" تهیه کنند. آدرس:

Second Floor, #4, 1558 Lonsdale Ave., North Vancouver,
BC, V7M 2J3 604-904-0821

(پرتزه های عکاسان شوروی از بزرگان هنر و ادبیات 45 - 1917)

افشین شاهرودی / مجله عکاسی خلاق، بهار 1384

منابع مطالعاتی ما در زمینه عکاسی، به متونی محدود شده است که دایم دارد نام های معینی تکرار می کند. نام هایی که دیگر دارند به تابو هایی تبدیل می شوند، که حریمشان را نشود زیر سؤال برد و متاسفانه این خصلت ماست که از نام ها تابو می سازیم و مطیعشان می شویم. اگر بتوانیم از قید نام ها را شویم خواهیم دید که تاریخ عکاسی پر از شخصیت های ناشناخته ای است، که مطالعه آنها به ما کمک می کند تا افق های دیدمان را بیشتر گسترش دهیم. یکی از منابع مفید برای این منظور، عکاسی شوروی است. که در گذشته به دلایل سیاسی، آشنایی با آن تقریباً نا میسر بود.

سر آغاز عکاسی در شوروی به فقط چند ماه پس از ارائه گزارش "فرانسوا"، به آکادمی علوم فرانسه و اعلام موجودیت عکاسی بر می Francios Arago آراگو گردد. اولین عکس های این کشور در سال 1839 از کلیسای اسحاق مقدس در سن پترزبورگ تهیه شد و اولین متون نوشتاری عکاسی نیز به صورت دو جزوه کوچک در تشریح مبانی این رشته در همین زمان در روسیه منتشر شد. اولین عکاس بزرگ نام داشت. مجموعه ای از Maksim Dmitreyev روسیه نیز "ماکسیم دیمیتریف" موجود Volga Characters پرتزه ها و مناظر او با عنوان "شخصیت های ولگا" است، که تصاویری است از زندگی دهقانان حوزه رود ولگا و قربانیان گرسنگی، و با حصبه در این نواحی، در زمان حکومت تزارها. عکس های او از زندگی مردم زمان "از جمله F.S.A خود درست مانند کارهای عکاسان "سازمان حمایت کشاورزی آمریکا" و "لوتیس هاین Jacob Rils"، "جاکوب ریس Dorothea Lange" دورتیا لانگ"، که در یک دوره پس از سال های سیاه دهه 1930 زندگی مصیبت Lewis Hine بار کشاورزان آمریکا را به تصویر کشیدند؛ با ارزشند. عراق نکرده ایم اگر بگویم که اهمیت کار دیمیتریف، که اگر نه زودتر ولی همزمان با عکاسان غربی دوربین خود را سوی واقعیت های تلخ زندگی مردم عادی نشانه رفت به دلیل حدود هفتاد سال رابطه سیاسی سرد بین شرق و غرب در تاریخ عکاسی نادیده گرفته شده است. با پیروزی انقلاب اکتبر در شوروی، از یک سو عکاسی مستند اجتماعی و فتوژورنالیزم سوسیالیستی رشد کرد و از سوی دیگر نوعی عکاسی مستند تصویرگرا که توجه خود را عمدتاً به منظره و پرتزه معطوف کرده بود، گسترش یافت. صرف نظر از عکس های زیادی که در جریان حوادث انقلاب گرفته شد، در فاصله سال های 1917 تا 1945 یعنی در بحبوحه بازسازی این کشور پرتزه های فراوانی از شخصیت های علم و هنر و سیاست و فرهنگ و مردم عادی تهیه شد، که امروز به عنوان اسناد با ارزشی از آن دوره تاریخی قابل مطالعه اند.

"عکاسی خلاق" بر آن است که عکس هایی از این دوره را برای مطالعه علاقمندان عرضه کند. مشابهت های فراوانی که در سیر تطور عکاسی شوروی در جریان انقلاب اکتبر و پس از آن، با کشور ما در جریان انقلاب اسلامی و پس از آن وجود دارد، با درس های آموزنده ای برای ما همراه است. در این جا پرتزه هایی جلب می کنیم که

عکاسان طراز اول شوروی در سال‌های 1917 تا 1945، معروف به دوره بازسازی، از شخصیت‌های فرهنگ و هنر و اندیشه در کشورشان تهیه کردند. شخصیت‌های معروف همواره مورد توجه عکاسان بوده و هستند. این موضوعی است که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود. آنچه در عکاسی از شخصیت‌های معروف ملاک تشخیص موفقیت عکاس محسوب می‌شود، توفیق در بیان شخصیت موضوع است. عکاسانی که این مجموعه را تهیه کرده‌اند، گروهی از برجسته‌ترین عکاسان شوروی محسوب می‌شوند، که اکثر آنها نه تنها در زمینه پرتره بلکه در زمینه عکاسی مستند اجتماعی و تهیه گزارش‌های مصور تجربیات فراوانی داشته‌اند. اشتراک همه آنها در این است که همگی دوران شاگردی خود را پیش از انقلاب اکتبر گذرانده و حوادث بزرگی را شاهد بوده و در آنها مشارکت نیز داشته‌اند. بنابر این، این مجموعه معیار مناسبی برای ارزیابی کار کسانی معیار است که با دیدگاه‌های متفاوت ولی تجربه‌های مشترک شخصیت‌های فرهنگی زمان خود را به تصویر کشیدند. عکس‌های مجموعه حاضر کار این گروه از عکاسان است:

"میخائیل ناپلیباوم Mikhail Nappelbaum" حدود هفتاد سال عکاسی کرد و در این مدت مجموعه گسترده‌ای از موضوعات مختلف اجتماعی کشورش از قبل انقلاب اکتبر، در جریان انقلاب و دوران بازسازی را به تصویر کشید. مجموعه کارهایش در کتابی با نام "از صنعت تا هنر From Craft to Art" منتشر شده است. پرتره‌های او از رهبران فرهنگی و سیاسی زمان خویش در نوع خود کم‌نظیر است. وی تأثیر فراوانی بر پیشرفت عکاسی پرتره در کشورش داشت.

الکساندر رودچنکو 1891-1956 نقش بدعت‌گذاری او در عکاسی شوروی غیر قابل انکار است. وی عقیده داشت که در عکاسی، سودمندی بر زیبایی و مطبوعیت مقدم است. مجموعه کارهای او معرف تجربه‌های فراوانی است، که در زمینه‌های مختلف کرد. در عکاسی شوروی پس از انقلاب اکتبر کمتر عکاسی دیده می‌شود که از او تأثیر نگرفته باشد.

آبرام اشترنبرگ: تجربه‌های او در فتوژورنالیسم و گزارش‌های مصور منجر به درک وسیع‌تری از عکاسی شد. اگر چه در زمینه‌های مختلف عکاسی کار کرد، ولی در پرتره شهرت بیشتری به دست آورد. (1894-1979)

وی نیز مانند عکاسان نسل خود در متن حوادث اجتماعی کشورش: دیمتری دیه بابف رشد کرد. وی از جمله عکاسانی بود که آثارشان تصویرگر پیشرفت و توسعه مناطق شمالی شوروی است.

ایوان شاگین از عکاسانی بود، که با نگاهی خوش‌بینانه، ساختن مجتمع‌های بزرگ صنعتی و دوران سازندگی کشورش را عکاسی کرد. وی از جمله عکاسانی بود که اعتقاد داشت که عکاس نباید در موضوع دخل و تصرف کند. (1940-1982) خواهر یکی دیگر از عکاسان معروف شوروی به نام بوریس اولگا ایگناتویچ ایگناتویچ است، که هر دو تحت تأثیر رودچنکو راه وی را ادامه دادند. کارهایش بیانگر جست‌وجوهای ذهنی یک هنرمند برای کشف کمپوزیسیون‌های جدید و خلق زیبایی‌های تازه است. (1902-?)

گئورگی پتروسف از عکاسانی بود که مانند ایوان شاگین به دوران سازندگی کشورش پرداخت. (1903-1971)

آرکادی شایخت از عکاسان بزرگ شوروی محسوب می شود، که کارهایش پا به پای رودچنکو در تمام نمایشگاه های داخل و خارج کشورش به نمایش در آمد. او را باید یک فتوژرنالیست به تمام معنا کامل به حساب آورد. سرعت، دقت، کفایت، هوش و تجربه حرفه ای او باعث می شد که در گرما گرم هر حادثه ای حضور یابد و آن را ثبت کند. نام او قبل از هر چیز با پیدایش نوعی گزارش مصور، موسوم به "گزارش مصور هنری" همراه است. در حقیقت عکس های او فاصله میان عکاسی خبری و عکاسی هنری را پر کرد و پدیده ای را به وجود آورد که متفکران غربی از آن به عنوان "عکاسی مستند- هنری" یاد می کنند. (1898-1959)

برای دیدن عکس های این مقاله به مجله سال اول، شماره دوم، بهار 1384 مراجعه شود.

اعضا جدید

*آیدا ایمانی، نورت و نکوور، کانادا

*علا الطایی، و نکوور، کانادا

*الگیس گریسکوسیوس، ویلنیوس، لیتوانی

*امیر جم، نورت و نکوور، کانادا

*آزاده فاتح راد، لندن، انگلیس

*بهمن سهامی، نورت و نکوور، کانادا

*فریبا پاچله، ادمونتون، کانادا

*حسین ملک، وست و نکوور، کانادا

*خسرو مقصود، وست و نکوور، کانادا

*مرجان سمیعی، و نکوور، کانادا

*میثم کفایی، نیو وست مینستر، کانادا

*نقیسه عسگری طبری، وست و نکوور، کانادا

*پیام پیکاری، پورت کوکتلام، کانادا

*پیمان خسروی، نورت و نکوور، کانادا

*ریحانه بختیاری، نورت و نکوور، کانادا

*شهلا همایونی، و نکوور، کانادا

کمک های مالی:

رسول شجاعی

سحر

عضویت در کلوب عکس کارون



Caroun Photo Club (CPC)

www.CarounPhotoClub.com

Membership Application

Membership Options

Individual Per Year	\$40.00
Life time Membership:	\$500.00
Total:	

Personal Information

First Name

Last Name

Address

City

Province (State)

Postal Code (Zip)

Country

Telephone

Email

URL

Payment

Cash

Cheque

Signature

Comments

عضویت در ایران

کلوب عکس کارون / عضو انجمن عکاسان کانادا / عضو انجمن عکاسان امریکا

کلوب عکس کارون چهار سال پیش با هدف ارتقا فن و هنر عکاسی و ایجاد ارتباط بین المللی بین عکاسان تاسیس گردید. بخش عمده اعضای این کلوب ایرانیان مقیم کشورهای مختلف ایران، کانادا، آلمان، فرانسه، مجارستان، هند، امریکا، امارات متحده عربی... هستند. اعضای غیر فارسی زبانی هم از کشورهای ترکیه، پاکستان، هلند، کانادا، عراق و امریکا نیز در این مجموعه حضور دارند.

علاوه بر وب سایت، یک بولتن ارگان رسمی کلوب عکس کارون است. مقالات و عکس‌های این مجموعه توسط اعضای کلوب تهیه شده است.

اولین و دومین مسابقه عکس کلوب عکس کارون توسط عکاسان ایرانی مریم زندی، اسماعیل عباسی، ناصر تقوایی، اکبر عالمی، حسن سر بخشیان و هومن صدر داوری شده است. مسابقه سال ۲۰۰۸ در کانادا و توسط عکاسان کانادایی داوری شد. تا کنون در ایران (تهران و اصفهان)، عراق (سلیمانیه کردستان) و **کانادا (ونکوور و نورت ونکوور)** نمایشگاه عکس داشته ایم. گزارش کامل این نمایشگاه‌ها و نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی اعضا در وب سایت موجود است. گزارش کامل عملکرد کلوب عکس کارون و اعضا مستمرا در وب سایت آن منتشر میشود.

اعضا یک گالری عکس در وب سایت کلوب عکس کارون دارند. این گالری شامل بیوگرافی، رزومه، نظرات درباره عکاسی، هنر، روش‌های کار... ۱۲ عکس، پرتزه عکاس، آدرس ایمیل و وب سایت است. مقالات اعضا در سایت منتشر میشود. اخبار مسابقات و نمایشگاه‌های داخلی و بین المللی برای اعضا ارسال میشود. اعضا میتوانند در مسابقات و نمایشگاه‌های کلوب و انجمن عکاسان کانادا شرکت کنند. پرتزه اعضا در سایت در بخش هنرمندان گذشته میشود. نمایشگاه‌های اعضا از طریق ایمیل و وب سایت اعلام میشود.

حق عضویت سالانه ۴۰ دلار (۴۰,۰۰۰ تومان)

اعضا کلوب عکس کارون که مایلند عضو انجمن‌های زیر شوند، می‌توانند از طریق سایت آن اقدام کنند و یا حق عضویت را برای ارسال به شرح زیر پرداخت نمایند:

انجمن عکاسان کانادا ۷۵ دلار (۷۵,۰۰۰ تومان) www.CAPAcanda.ca

انجمن عکاسان امریکا ۷۵ دلار (۷۵,۰۰۰ تومان) www.PSA-Photo.org